



## تقریرات درس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

جلسه اول؛ شنبه ۱۳۹۱/۶/۲۵

### اخذ اجرت بر مستحبات

در مورد واجبات بیان کردیم اخذ اجرت منافاتی با قصد قربت ندارد، تنها مشکلی که دارد آن است که چون انجام آن عمل بر فرد واجب بوده و گریزی از آن ندارد، اخذ اجرت بر آن عمل عرفاً مصداق اکل مال به باطل است و به این خاطر جایز نیست. ولی از آنجا که در مستحبات این الزام وجود ندارد، پس این مشکل هم نیست، بنابراین اخذ اجرت بر عمل مستحبی مانعی ندارد، البته در صورتی که سایر شرایط معامله تمام باشد.

### عدم جواز اتیان عمل مستأجر علیه به عنوان عبادت برای خود

مسأله‌ی دیگری که مرحوم شیخ<sup>۱</sup> اعلی الله مقامه الشریف استطراداً در این جا مطرح کرده‌اند و ما نیز به تبع ایشان مطرح می‌کنیم - هر چند بعضی متعرض این مسأله نشده‌اند، ولی چون دارای مباحث مفیدی است ما مطرح می‌کنیم - آن است که اجیر نمی‌تواند عملی را که بر آن اجیر شده و مورد استحقاق غیر است، به عنوان عبادت برای خود بیاورد؛ یعنی همان‌طور که کسی نمی‌تواند بر عباداتی که بر خود او واجب است، اجیر شود و آن عمل مستحق برای دیگران نمی‌شود، در جایی هم که اجیر برای دیگران شده، نمی‌تواند آن

۱. کتاب المکاسب، ج ۲، ص ۱۴۷:

اعلم أنه كما لا يستحقّ الغير بالإجارة ما وجب على المكلف على وجه العبادّة، كذلك لا يؤتی علی وجه العبادّة لنفسه ما استحقّه الغير منه بالإجارة، فلو استؤجر لإطافة صبيّ أو مغمى عليه فلا يجوز الاحتساب في طواف نفسه، كما صرح به في المختلف، بل وكذا لو استؤجر لحمل غيره في الطواف، كما صرح به جماعة تبعاً للإسكافي؛ لأنّ المستأجر يستحقّ الحركة المخصوصة عليه، لكن ظاهر جماعة جواز الاحتساب في هذه الصورة؛ لأنّ استحقاق الحمل غير استحقاق الإطافة به كما لو استؤجر لحمل متاع.

عمل را به عنوان عبادت برای خود قرار دهد.

مرحوم شیخ رحمته الله این مسأله را بر اجیر شدن بر طواف تطبیق می‌کند و می‌فرماید به همین خاطر اگر کسی اجیر شد دیگری را حمل کرده و طواف دهد، نمی‌تواند همان طواف را نیز برای خود قصد کند و مجزی از طواف خود باشد.

جواز اجیر گرفتن برای اطافه فی الجمله مورد تسالم است و می‌توان برای مریض، مغمی علیه و کودکان اجیر گرفت و حتی بنا بر احتمال قوی افراد سالم هم می‌توانند اجیر بگیرند تا کسی آن‌ها را طواف دهد. در بعضی روایات وارد شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله سوار بر ناقه‌ی خود «عُضْبَاء»<sup>۱</sup> طواف کردند و با عصای خود (مِخْجَن)<sup>۲</sup> استلام کردند و آن عصا را بوسیدند.

بعضی به این روایت اعتماد کرده و گفته‌اند از این روایت استفاده می‌شود طواف راکباً نیز جایز است و رکوب هم فرقی نمی‌کند چه بر ناقه باشد و چه بر فرس و چه بر ظهر انسانی دیگر.

اگر جواز طواف راکباً اثبات شود، بعضی مسائل دیگر نیز حل می‌شود از جمله این که امروزه گاهی به خاطر شلوغی در حین طواف، سیل جمعیت افراد را بدون اختیار حرکت می‌دهد و اگر بگوییم طواف راکباً جایز است، می‌تواند همان را به عنوان طواف قصد کند و مجزی است و مناقشات بعضی اعلام در این جا قابل دفع است و این مسأله احتمال دارد در آینده بیشتر مورد ابتلاء شود و ناچار باشند به خاطر ازدیاد

۱. کتاب العین، ج ۱، ص ۲۸۳:

العَضْبُ: السیف القاطع. عَضَبُهُ یَعْضِبُهُ عَضْبًا، أی قطعہ. و شاء عَضْبَاءَ: مکسورۃ القرن. و قد عَضَبْتُ عَضْبًا، و أَعْضَبْتُهَا إِعْضَابًا، و عَضَبْتُ قَرْنَهَا فاعضب، أی: انکسر. و یقال العَضْبُ یكون فی أحد القرنین. و ناقۃ عَضْبَاءَ، أی: مشقوقۃ الأذن. و یقال: هی التی فی أحد أذنیها شق و سمیت ناقۃ رسول الله صلی الله علیه و آله العَضْبَاءَ.

✓ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۴۱۴:

و (عَضَبْتُ) الشَّاءُ و النَّاقَةُ (عَضْبًا) أیضاً إِذَا شُقَّ أذُنُهَا فَالذَّكَرُ (أَعْضَبْتُ) و الْأُنْثَى (عَضْبَاءُ) مِثْلُ أَحْمَرَ و حَمْرَاءَ و یُعَدَّى بِالْأَلْفِ فِیْقَالُ (أَعْضَبْتُهَا) و کَانَتْ نَاقَةُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله تَلْقَبُ (العَضْبَاءَ) لِنَجَاتِهَا لِأَشَقِّ أذُنِهَا.

✓ لسان العرب، ج ۱، ص ۶۰۹:

العَضْبَاءُ: اسم ناقۃ النبی صلی الله علیه و آله اسم، لها، عَلَمٌ، و لیس من العَضْبِ الذی هو الشَّقُّ فی الأذن. إنما هو اسم لها سمیت به، و قال الجوهری: هو لقبها؛ قال ابن الأثیر: لم تكن مشقوقۃ الأذن، قال: و قال بعضهم إنها كانت مشقوقۃ الأذن، و الأول أكثر؛ و قال الزمخشری: هو منقول من قولهم: ناقۃ عَضْبَاءَ، و هی القصیرۃ الیَد.

۲. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۱۲۳:

المِخْجَنُ: وَزَانٌ مَقْوَدٌ خَشْبَةً فی طَرَفِهَا اغْوَجَاجٌ مِثْلُ الصَّوَلِجَانِ قَالَ ابْنُ دُرَيْدٍ كُلُّ عُوْدٍ مَعْطُوفِ الرَّأْسِ فَهُوَ (مِخْجَنٌ) و الْجَمْعُ (الْمِخْجَانُ) و (الْحِجُونُ) وَزَانٌ رَسُولٌ جَبَلٌ مُشْرِفٌ بِمَكَّةَ.

جمعیت، افراد را بر روی دستگاه‌هایی قرار داده و به سرعت طواف دهند.

به هر حال این مسأله که عند الضرورة و برای مریض، مغمی علیه و اطفال می‌توان اجیر گرفت تا کسی آن‌ها را حمل کرده و طواف دهد، جای مناقشه نیست و روایات نیز بر آن دلالت می‌کند.

مهم این مسأله است و از قدیم مورد بحث بوده که آیا اجیر می‌تواند در حین حمل و طواف دادن، برای خودش هم قصد طواف کند و آیا چنین طوافی برای حامل مجزی است یا خیر؟  
اقوال در این مسأله را - با محاسبه آراء عامه - می‌توان در پنج یا شش قول بیان کرد:

### اقوال در مسأله

۱. کسی که دیگری را طواف می‌دهد، مطلقاً می‌تواند برای خود قصد طواف کند؛ چه اطافه تبرعاً باشد، چه به جعاله و چه به اجاره.

این قول بعید نیست از اطلاق عبارت جناب محقق اعلی الله مقامه در شرایع<sup>۱</sup> استفاده شود. از عبارت علامه در قواعد<sup>۲</sup> نیز این مطلب استفاده می‌شود، البته ایشان فرموده‌اند علی اشکال.

۲. این قول که از بعضی شافعیه<sup>۳</sup> نقل شده در مقابل قول اول قرار دارد و آن این که کسی که دیگری را طواف می‌دهد، نمی‌تواند برای خود قصد طواف کند مطلقاً؛ چه تبرعاً طواف دهد و چه بالاجاره.

---

۱. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۲۰۸.

لا يجوز النيابة في الطواف الواجب للحاضر إلا مع العذر كالإغماء و البطن و ما شابههما و يجب أن يتولى ذلك بنفسه و لو حمله حامل فطاف به أمكن أن يحتسب لكل منهما طوافه عن نفسه.

۲. قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۴۱۱.

تجوز النيابة في الطواف عن الغائب و المعذور كالمغمى عليه و المبطن لا عن اتففى عنه الوصفان. و الحامل و المحمول و ان تعدد يحتسبان، و ان كان الحمل بأجرة على إشكال.

۳. الرافعي القزويني، عبد الكريم بن محمد، فتح العزيز بشرح الوجيز، ج ۷، ص ۳۴۰.

ان الرجل حمل محرماً من صبي أو مريض أو غيرهما و طاف به نظر ان كان الحامل حلالاً أو كان قد طاف عن نفسه حسب الطواف للمحمول بشرطه و ان كان محرماً و لم يطف عن نفسه نظر ان قصد الطواف عن المحمول ففيه ثلاثة أوجه (أظهرها) انه يقع للمحمول دون الحامل و ينزل الحامل منزلة الدابة.

✓ ابن قدامة، عبدالله بن احمد، المغنى، ج ۳، ص ۲۰۷.

مسألة: قال: و من طيف به محمولا كان الطواف له دون حامله أما إذا طيف به محمولا لعذر فلا يخلو أما أن يقصد جميعاً عن المحمول فيصح عنه دون الحامل بغير خلاف نعلمه أو يقصد جميعاً عن الحامل فيقع عنه أيضاً و لا شيء للمحمول أو يقصد كل واحد منهما الطواف عن نفسه فإنه يقع للمحمول دون الحامل و هذا أحد قولى الشافعي.

۳. این قول را علامه رحمته در *مختلف* از کتاب ابن جنید اسکافی که احد القديمين<sup>۱</sup> است و به آن کتاب دسترسی داشته<sup>۲</sup> نقل می‌کند و می‌فرماید:

أطلق الأصحاب جواز أن يطوف الحامل عن نفسه، فقال ابن الجنيد - و نعم ما قال -  
و الحامل للمريض يجزئه طوافه عن طواف الواجب عليه إذا لم يكن أجيرا.<sup>۳</sup>

۴. این قول، قول خود علامه رحمته در *مختلف* است. ایشان گرچه ابتدا درباره‌ی نظر ابن جنید می‌فرماید:  
«و نعم ما قال» و استدلالی هم برای آن ذکر می‌کند، ولی در نهایت می‌فرماید:

و التحقيق أنه لو استؤجر للحمل في الطواف أجزأ عنهما، و ان استؤجر للطواف لم  
يجز عن الحامل.

علامه رحمته تفصیل می‌دهد که اگر کسی اجیر می‌شود در طواف خودش دیگری را طواف دهد - مثلاً به او گفته می‌شود تو که طواف می‌کنی و قوی هستی، این مریض را هم طواف بده - در این صورت طواف هر دوی آن‌ها صحیح است، ولی اگر اجیر شود برای طواف - و نه بالخصوص در طواف خود - در این صورت، طواف برای حامل واقع نمی‌شود، گرچه نیت طواف هم داشته باشد.

۵. این قول، قول شهید ثانی رحمته در *مسالك* است که می‌فرماید:

لو حمله حامل فطاف به، أمكن أن يحتسب لكل منهما طوافه عن نفسه هذا إذا كان  
الحامل متبرعا، أو حاملا بجعالة، أو مستأجرا للحمل في طوافه، أمّا لو استؤجر للحمل  
مطلقا لم يحتسب للحامل.<sup>۴</sup>

اگر حامل و طواف دهنده، متبرعاً و برای رضای خدا، دیگری را طواف دهد یا به جعاله طواف دهد -

---

۱. ابن جنید اسکافی و عمانی معروف به قدیمین هستند. نجاشی در مورد ابن جنید اسکافی می‌فرماید: وجه فی اصحابنا ثقة جلیل القدر صنف فاکثر ... و سمعت شیوخنا الثقات يقولون عنه: أنه كان يقول بالقياس. مرحوم شیخ نیز می‌فرماید: محمد بن أحمد بن الجنید یکنی أبا علی، و كان جید التصنیف حسنة، إلا أنه كان یری القول بالقياس فترکت لذلك کتبه و لم یعول علیها. (رجال النجاشی، ص ۳۸۸ و الفهرست الطوسی، ص ۱۳۴)

بعضی از اساتید ما می‌فرمودند: ابن جنید به خاطر قریب العهد بودن به اهل سنت و داشتن رسوباتی از قبل، به قیاس عمل می‌کرد، ولی ما این مطلب را در کتب ام هر جا که مظان آن بود نگاه کردیم نیافتیم و احتمال می‌دهیم از روی حدس این مطلب را فرموده باشند.

۲. کتاب ابن جنید الآن در دسترس نیست، ولی علامه در اختیار داشته و فتاوی ابن جنید را در *مختلف* نقل فرموده است.

۳. *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، ج ۴، ص ۱۸۵.

۴. *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، ج ۲، ص ۱۷۷.

جعاله عقد جایز و غیر لازم است و می‌تواند در وسط عمل هم آن را رها کند؛ مگر در موارد خاص - یا اجیر شود در طواف خودش، دیگری را طواف دهد، در این سه صورت هر یک از حامل و محمول می‌توانند طواف را از جانب خودشان حساب کنند.

ولی اگر عقد اجاره به نحو مطلق باشد که دیگری را طواف بدهد؛ نه این‌که در طواف خودش، دیگری را طواف دهد، در این صورت طواف فقط برای محمول واقع می‌شود و برای حامل حساب نمی‌شود. در تعلیل مطلب اخیر می‌فرمایند:

### لأن الحركة المخصوصة قد صارت مستحقة عليه لغيره، فلا يجوز صرفها الي نفسه

یعنی آن حرکاتی که حامل دور کعبه می‌کند، مستحق للغير و ملک غیر است، پس باید صرف برای غیر شود و نمی‌تواند برای خودش صرف کند؛ چون در این صورت تصرف در حق و ملک غیر کرده است.

۶. وجه دیگری که در بعضی کلمات وجود دارد، ولی نمی‌دانیم قائل هم داشته باشد<sup>۱</sup> این است که اصلاً طواف، قابل استیجار نیست و اگر استیجار کرد نه برای حامل واقع می‌شود و نه برای محمول.

در بعضی کلمات هم آمده که اگر کسی اجیر شد برای طواف دیگری، جایز است برای خودش نیت کند و مجزی است، مگر آن‌که در ضمن عقد اجاره شرط شده باشد برای خودش قصد نکند.

ممکن است در این‌جا این سؤال پیش بیاید که مگر چنین شرطی معقول است؟ در جواب می‌گوییم: بله، ممکن است کسی چنین غرضی داشته باشد به خاطر این‌که اگر حامل برای خودش نیز قصد کند مثلاً حواسش معطوف به چند جا می‌شود، پس برای این‌که متمحض در خدمت به این محمول باشد، شرط می‌کند برای خودش قصد نکند، یا اگر مبطلات وضوء برای حامل حادث شد، بتواند ادامه دهد و ... .

مرحوم شیخ رحمته الله بعد از طرح این اقوال می‌فرماید: «و المسألة مورد نظر»<sup>۲</sup>، گرچه قول شهید ثانی را

---

۱. بعضی گفته‌اند مراد شیخ از «الرابع: ما ذكره بعض محشي الشرايع من استثناء صورة الاستیجار علی الحمل» همین قول است، هرچند در تعلیقه آمده که «لم نقف علیه، ولعله یشیر إلی ما ذكره الشهید الثانی فی حاشيته علی الشرائع (مخطوط): ۱۸۲، أو المحقق الكرکی فی حاشيته علی الشرائع (مخطوط): ۷۰».

۲. کتاب المکاسب، ج ۲، ص ۱۴۷.

و فی المسألة أقوال: قال فی الشرائع ... و بنی فخر الدین فی الإیضاح جواز الاحتساب فی صورة الاستیجار للحمل التي استشكل والده رحمه الله فیها علی أن ضمَّ نية التبرّد إلی الوضوء قاذح أم لا؟  
و المسألة مورد نظر و إن كان ما تقدّم من المسالك لا یخلو عن وجه.

می فرمایند «لا یخلو من وجه»، اما انتخاب نمی کند.